

## پیشینه و چگونگی آغاز تجاوز

### بخش اول - پیشینه و حوادث آغاز جنگ

قبل از تجاوز سراسری ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم عراق به اقداماتی دست زده است که نشان می‌دهد این رژیم با برنامه حساب شده وارد جنگ شده است که مهمترین آن اقدامات عبارتند از:

#### الف) نقض مکرر حریم هوایی، زمینی و دریایی ایران

در شرایطی که نظام جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب درگیر مشکلات داخلی و حل نابسامانیهای بر جای مانده از رژیم گذشته بود، رژیم عراق از فرصت استفاده کرده، مکرراً اقدام به تجاوز هوایی، زمینی و دریایی به ایران نمود.

از تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ لغایت ۳۰ شهریور ۱۳۵۹، جمعاً ۶۳۶ مورد تجاوز زمینی، هوایی و دریایی از جانب عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. گسترش این حملات در دوره‌های زمانی مختلف ما را به این نتیجه می‌رساند که عراق برنامه‌ریزی دقیقی برای حمله به ایران داشته است. تفکیک آمار فوق بیانگر این مطلب است.

#### تعداد تجاوزات ثبت شده عراق به جمهوری اسلامی ایران

سه ماهه اول سال ۱۳۵۸	۱۴ مورد
سه ماهه دوم سال ۱۳۵۸	۱۱ مورد
سه ماهه سوم سال ۱۳۵۸	۲۶ مورد

سه ماهه چهارم سال ۱۳۵۸	۳۳ مورد
سه ماهه اول سال ۱۳۵۹	۱۴۲ مورد
سه ماهه دوم سال ۱۳۵۹	۴۱۰ مورد

این آمار همچنین مؤید آن است که هرچه به زمان هجوم سراسری عراق به جمهوری اسلامی ایران نزدیک‌تر می‌شدیم، حملات تکرر بیشتری می‌یابد. ضمن آنکه شدت و وسعت حملات نیز افزون می‌گردد.<sup>۱</sup>

### ب) لغو قرارداد ۱۹۷۵

رژیم عراق پس از تهیه و تفهیم اهداف تجاوز و نظرخواهی از دوستان منطقه‌ای و اربابان خارجی خود در پی فرصتی مناسب بود تا آن را به مرحله اجرا درآورد، زیرا چگونگی آغاز تجاوز که سرپوشی بر مقاصد توسعه‌طلبانه او باشد، از درجه اهمیت خاصی برخوردار بوده است. با وجود اینکه سران رژیم عراق در خلال راه‌اندازی جنگ تبلیغاتی گسترده علیه ایران، اهداف تجاوز، نظیر حاکمیت مطلق بر اروندرود و استرداد جزایر سه‌گانه را در لابلای مصاحبه‌ها و سخنرانیها مطرح می‌ساختند، اما هیچ‌کدام نتوانستند به عنوان صدای زنگ تجاوز برای افکار عمومی به صدا آیند. حتی بعضی سران رژیم عراق به گونه‌ای حرف می‌زدند که گویی با ایران در حال جنگ هستند تا شاید از این طریق ایران را وادار به عکس‌العمل‌های مشابه و افکار جهانیان را متوجه خود سازند. به عنوان مثال نعیم حداد رئیس مجلس ملی عراق اظهار داشت:

«عراق به طور قاطع هرگونه میانجیگری را میان خود و ایران مردود می‌داند، ولی بازگرداندن جزایری که رژیم شاه سابق در خلیج عربی (فارس) بر آنها تسلط یافت، عراق را برای مذاکره با ایران بدون هیچ واسطه‌ای آماده خواهد ساخت.»<sup>۲</sup>

به طوری که ملاحظه می‌شود نعیم حداد جنگ بین ایران و عراق را دو ماه پیش از حمله

سراسری (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) جریان یافته تلقی کرده و از میانجیگری و مذاکره سخن می گوید. اما این بهانه ها نتوانست توجیهی برای آغاز حمله سراسری باشد. از این رو پس از مشورت با دوستان و اربابان خارجی، دولت عراق بهترین دستاویز برای شروع تجاوز را لغو قرارداد الجزایر دانست. رژیم عراق تصور کرد که ادعاهایی برای لغو قرارداد الجزایر وجود دارد که تا حدودی می تواند توجیه کننده آغاز تجاوز باشد. بر این اساس بلادرنگ با صدور اعلامیه ای در مورد لغو قرارداد چنین می گوید:

«نظر به اخلاک‌گرهای دولت ایران در قرارداد ۶ مارس ۱۹۷۵ و موافقتنامه‌های متمم آن و نقض مفاد و روح آن به واسطه عدم احترام به روابط حسن همجواری و دخالت آشکار و عمدی در امور داخلی عراق و امتناع از بازگرداندن سرزمینهای غصب شده عراقی که بر اساس قرارداد یادشده توافق بازگشت حاکمیت عراق بر آن حاصل شد و این موضوع، طرف ایرانی قرارداد مارس ۱۹۷۵ را بر آن داشت تا این پیمان را کان لم یکن تلقی کند؛ شورای فرماندهی انقلاب در نشست مورخ ۱۷/۹/۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۹/۲۶ ه. ش) تصمیم گرفت پیمان مذکور را لغو نماید و حاکمیت کامل قانونی و واقعی خود را بر شطالعرب باز گیرد و بر اساس این تصمیم عمل کند»<sup>۳</sup>

همچنین صدام حسین در شب هنگام ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ نمایندگان مجمع ملی عراق را برای تشکیل جلسه فوق‌العاده فرا خواند و پس از تشکیل جلسه، صدام در حالی که لباس فرمانده کل قوا را بر تن داشت، در مورد علت لغو قرارداد ۱۹۷۵ گفت:

«چون زمامداران ایران از همان آغاز به دست گرفتن قدرت با مداخله آشکار و تعمدی در امور داخلی عراق و با پشتیبانی و تسلیح دار و دسته شورشیان که مورد حمایت صهیونیست‌ها و امریکا هستند، دقیقاً همان کاری را کردند که شاه کرد و با خودداری از استرداد اراضی عراق که ما ناگزیر شدیم آنها را به زور آزاد کنیم، قرارداد را به دلایل فوق نقض کرده‌اند، بنابراین در مقابل شما اعلام می‌داریم که قرارداد ششم

مارس ۱۹۷۵ از طرف ما نیز ملغی شده است.<sup>۴</sup>

پس از لغو قرارداد ۱۹۷۵، وزارت امور خارجه عراق در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۶ شهریور ۱۳۵۹) کاردار سفارت ایران را احضار کرد و طی یادداشتی که به او تسلیم نمود، اظهار داشت:

«دولت جمهوری عراق تصمیم گرفته است که موافقتنامه الجزیره که در تاریخ ۶ مارس ۱۹۷۵ میان دو کشور منعقد گردید، مرزهای دولتی و حسن همجواری منعقد میان دولت جمهوری عراق و دولت شاهنشاهی ایران، همراه با سه پروتکل پیوست آن و ضمیمه‌هایشان که در تاریخ ۱۳ ژوئن ۱۹۸۵ بر اساس موافقتنامه مذکور در بغداد امضاء شد، چهار موافقتنامه متمم قرارداد مذکور و ضمیمه‌هایشان که در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۵ را در بغداد به امضاء رسید و یادداشت‌های مبادله شده و سوابق مشترک را به علت نقض گفتاری و کرداری آنها از سوی دولت جمهوری اسلامی طبق مفاد بند ۴ موافقتنامه الجزیره و ماده ۴ قرارداد سابق‌الذکر کان لم یکن بشمارد.»<sup>۵</sup>

به طوری که ملاحظه می‌شود رژیم عراق برای لغو قرارداد به دو دلیل استناد کرد، اول دخالت عمدی ایران در امور داخلی عراق، دوم خودداری ایران از بازگرداندن زمینهای عراقی که بر اساس قرارداد الجزیره باید به عراق بازگردانده می‌شد. بلاشک اگر موارد ادعاشده عراق صحت می‌داشت، آنها را از مدتها قبل در وسایل تبلیغاتی و در سطح محافل بین‌المللی مطرح می‌ساخت و یا لاقابل آنها را دستاویزی برای تجاوز قرار می‌داد.

شواهد گواهی می‌دهند که رژیم عراق هیچ‌گاه در پی اجرای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر نبوده است. به عنوان مثال؛ به هنگام ترک ناگهانی هیأت مذاکره‌کننده عراقی در تهران (۱۳۷۵/۴/۱۱) وزارت امور خارجه ایران طی یادداشتی مطالب زیر را عنوان نمود:

«وزارت امور خارجه ایران، تعارفات خود را به سفارت جمهوری عراق اظهار و احتراماً عطف

به یادداشت شماره ۸۲۰/۲/۵ مورخ ۱۹۸۷/۵/۲۷ (۱۳۵۷/۳/۶) اشعار می‌دارد:

۱ - همانطور که استحضار دارند، موضوع تحویل و تحول اراضی و مستحدثات خصوصی و عمومی که تعلق ملی آنها متعاقب علامتگذاری مجدد سرزمینی بین ایران و عراق تغییر یافته است، در مذاکرات مورخ ۳ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۵۳۶/۹/۲۲) از طرف هیأت عراقی که در معیت معاون رئیس جمهوری عراق به تهران آمده بود، مطرح گردید و از طرف هیأت ایرانی پیشنهاد شد که با توجه به وضع فعلی، شروع کار کمیسیون مختلط تحویل و تحول به بعد از ماه مارس ۱۹۸۷ موکول شد و این پیشنهاد مورد موافقت مقامات مربوطه عراق قرار گرفت و مراتب، طی یادداشت شماره ۱۹۵/۲/۵ مورخ ۱۹۸۷/۲/۹ (۱۳۵۶/۱۱/۲۰) آن سفارت، به این وزارت اعلام گردید و در نتیجه، کمیسیون مختلط فوق‌الاشعار، از تاریخ ۱۴ مه ۱۹۸۷ کار خود را در تهران آغاز نمود.

۲ - همانطور که کراراً و مؤکداً در مذاکرات کمیسیون مختلط متشکله در تهران، از ۱۴ تا ۳۱ مه ۱۹۸۷ (۲۴ اردیبهشت تا ۱۰ خرداد ۱۳۵۷) از طرف هیأت ایران اعلام گردید، دولت ایران آماده است که کار تحویل و تحول آن قسمت از اراضی و مستحدثات خصوصی و عمومی که بر اثر علامتگذاری مجدد مرز زمینی تعلق ملی آنها تغییر یافته است، به انجام برساند و این اعلام آمادگی از جمله در قسمت اخیر بند دوم صورتجلسه مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۷ (۱۰ خرداد ۱۳۵۷) کمیسیون مختلط فوق‌الذکر مندرج است. لیکن هیأت عراقی، بدون توجه به وظایف محوله در نامه‌های متبادله بین وزرای امور خارجه ایران و عراق، مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۷۵، مذاکرات را متوقف ساخت و در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۵۷ (اول ژوئن ۱۹۸۷) به بغداد مراجعت نمود و بنابراین روشن است که مسئولیت تأخیر در انجام تحویل و تحول متوجه طرف ایرانی نبوده است و بدین وسیله مجدداً آمادگی دولت شاهنشاهی ایران را برای اجرای امر تحول و تحول مورد بحث تأیید می‌نماید.

۳ - کمیسیون مشترکی که در اجرای برنامه‌های متبادله بین وزرای امور خارجه ایران و عراق، مورخ ۲۲ ژوئن ۱۹۷۵، از تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۷ (۱۴ مه ۱۹۸۷) در تهران تشکیل گردید، دارای مأموریت محدود تحویل و تحول اراضی و مستحدثات مرز زمینی است و تقاضای آن سفارت، دائر به تغییر محل علائم مرزی، نه تنها ارتباطی به کار این کمیسیون ندارد، بلکه به موجب

قسمت الف ماده یک پروتکل علامتگذاری مرز زمینی، مورخ ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ که در آن تصریح شده است، که طرفین متعاهدین تأیید و اذعان می‌نمایند که علامتگذاری مجدد مرز زمینی دولتی بین ایران و عراق، توسط کمیته مختلط ایران و عراق و الجزایر بر مبنای مراتب زیر انجام یافته است. (از جمله پروتکل ۱۹۱۳ و صورتجلسات ۱۹۱۴ و صورتجلسه تفصیلی عملیات علامتگذاری مرز زمینی و نقشه‌ها و فش‌های شناسایی علائم مرزی قدیم و جدید و عکسهای هوایی نوار مرزی) موردی نداشته و بر اساس ماده (عهدنامه مربوط به مرز دولتی و حسن همجواری بین ایران و عراق که مقرر می‌دارد) در کادر غیر قابل تغییر بودن مرزها و احترام کامل به تمامیت ارضی دو دولت، طرفین معظمین متعاهدین تأیید می‌نمایند که خط مرز زمینی و رودخانه‌ای آنان لایتغیر و دائمی و قطعی می‌باشد، امری خاتمه‌یافته است. محل علائم مرزی، قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود. موقع را برای تجدید احترامات فائقه مغتنم می‌شمارد.<sup>۶</sup>

به راستی اگر رژیم عراق خواهان اجرای عهدنامه بود، حداقل جوابیه‌ای در پاسخ به یادداشت وزارت امور خارجه ایران ارائه می‌کرد و خواست‌ها و نظرات خود را مطرح می‌ساخت. ترک ناگهانی مذاکرات از سوی هیأت عراقی از نیات و اهداف پنهانی حکایت دارد که با توجه به اوضاع و احوال آن روز ایران که در آستانه انقلاب بود، دستگیر هیأت مذکور شده بود. از همان زمان رژیم عراق به این فکر افتاد که با تغییر رژیم، شرایطی را فراهم کند تا امتیازات بیشتری از ایران بگیرد. دقیقاً رژیم عراق پس از لغو قرارداد سخن از تحمیلی بودن قرارداد ۱۹۷۵ را به میان آورد که تحلیل فوق را در نیات رژیم عراق به اثبات می‌رساند. به عنوان نمونه به چند مورد از آن در اینجا اشاره می‌کنیم. صدام حسین طی یک سخنرانی در کنفرانس اسلامی طایف در تاریخ (۱۳۵۹/۱۱/۶) ه. ش) اظهار داشت:

«پیمان الجزایر در شرایطی که به آن اشاره کردم، به ما تحمیل شد و الا اگر زمامداران جدید (ایران) به این پیمان پای‌بند می‌ماندند، ما نیز جانب آن را نگاه می‌داشتیم، نه از روی آن که به درستی آن ایمان داشته باشی، بلکه به این علت که آن را امضاء

کردیم.<sup>۷</sup>

صدام طی سخنرانی در مجلس ملی عراق در تاریخ (۱۳۶۰/۹/۲ هـ. ش) اظهار داشت:

«اکنون آنها قرارداد ۱۹۷۵ را دست‌آویز خود ساخته‌اند، زیرا پیمان سال ۷۵ غصب

نیمی از شط‌العرب را برای آنها تضمین می‌کند. این موضوع و مسائلی دیگر، ما را بر

آن داشت تا در جنگی که از شروع آن پانزده ماه می‌گذرد، خونهای پاک را خون‌بها

سازیم.<sup>۸</sup>

از سخنان صدام حسین سه مطلب زیر به دست می‌آید:

الف) قرارداد الجزایر برای رژیم عراق تحمیلی است.

ب) رژیم عراق به قرارداد الجزایر ایمان ندارد.

ج) پیمان الجزایر غصب نیمی از شط‌العرب توسط ایران است.

از همین چند جمله کوتاه به دست می‌آید که قرارداد الجزایر به نفع ایران است، چگونه

قراردادی که به نفع کشوری است، خودش آن را لغو می‌کند؟ وانگهی رژیم عراق چگونه به

قراردادی که بنا به اظهار صدام تحمیلی است، پای‌بند می‌ماند؟ با اندکی تأمل روی گفته‌ها و سخنان

صدام حسین به دست می‌آید که لغو قرارداد ۱۹۷۵ توسط عراق به علت عدم رعایت مفاد آن از

سوی ایران، بهانه‌ای بیش نبوده است. بلکه لغو قرارداد، سوت آغاز تجاوزی سراسری بوده است،

چرا که به خوبی می‌بینیم پس از لغو یکجانبه قرارداد در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ بدون آنکه به

ایران فرصت پاسخگویی به اطلاعیه و یادداشت تسلیم‌شده به سفارت ایران در عراق را بدهد، در

تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) حمله گسترده و همه‌جانبه خود را به خاک جمهوری

اسلامی ایران آغاز می‌کند.

## تحلیل حقوقی لغو قرارداد ۱۹۷۵

لغو قرارداد ۱۹۷۵ از آن جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بی‌اعتنایی به مقررات و قواعد حقوقی به عنوان معتبرترین سند جرم علیه رژیم عراق در تاریخ ثبت گردد، و اراده محافل رسمی جهان را در تنبیه و مجازات مصمم‌تر نماید.

اقدام رژیم عراق در لغو قرارداد ۱۹۷۵ به دلایلی که ذیلاً می‌آید صحیح نبوده و از لحاظ حقوق بین‌الملل محکوم است:

### ۱- از لحاظ ماده ۶ عهدنامه مرزی

امضاء کنندگان قرارداد ۱۹۷۵ با قصد و اراده در ماده ۶ هرگونه تفسیر و برداشت شخصی را در اجرای توافقات، با قاطعیت رد کرده و راههای حل اختلافات را کاملاً مشخص نمودند. برای بررسی دقیق‌تر قضیه عین متن ماده ۶ عهدنامه را در ذیل می‌آوریم:

#### ماده ۶:

۱- در صورت اختلاف درباره تفسیر یا اجرای عهدنامه حاضر و سه پروتکل و ضمائم آنها - این اختلاف با رعایت کامل مسیر خط مرز ایران و عراق - مندرج در مواد ۱ و ۲ فوق‌الاشعار و نیز با رعایت حفظ امنیت در مرز ایران و عراق - طبق ماده ۳ فوق‌الذکر حل و فصل خواهد شد.

۲- این اختلاف در مرحله اول طی مهلت دو ماه از تاریخ درخواست یکی از طرفین از طریق مذاکرات مستقیم دو جانبه بین طرفین معظمین متعاهدین حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورت عدم توافق، طرفین معظمین متعاهدین ظرف مدت سه ماه، به مساعی جمیله یک دولت ثالث دوست توسل خواهند جست.

۴- در صورت خودداری هریک از طرفین از توسل به مساعی جمیله یا عدم موفقیت مساعی جمیله، اختلافات طی مدت یک ماه از تاریخ رد مساعی جمیله یا عدم موفقیت آن از طریق داوری حل و فصل خواهد شد.



۵- در صورت عدم توافق بین طرفین معظمین متعاهدین نسبت به آئین و یا نحوه داوری هریک از طرفین معظمین متعاهدین می‌تواند ظرف پانزده روز از تاریخ احراز عدم توافق به یک دادگاه داوری مراجعه نماید. برای تشکیل دادگاه داوری و برای حل و فصل هریک از اختلافات هریک از طرفین معظمین متعاهدین یکی از اتباع خود را به عنوان داور تعیین خواهد نمود و دو داور یک سرداور انتخاب خواهند نمود. اگر طرفین معظمین متعاهدین ظرف مدت یک ماه پس از وصول درخواست داوری از جانب یکی از طرفین از دیگری به تعیین داور مبادرت ننمایند و یا چنانچه داوران قل از انقضای همین مدت در انتخاب داور مبادرت ننمایند و یا چنانچه داوران قبل از انقضای همین مدت در انتخاب سرداور به توافق نرسند، طرف معظم متعاهدی که داوری را درخواست نموده است، حق خواهد داشت از رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضا نماید تا طبق مقررات دیوان دائمی داوری یا سرداور تعیین نماید.

۶- تصمیم دادگاه داوری برای طرفین معظمین متعاهدین الزام‌آور و لازم‌الاجرا خواهد بود. به طوری که ملاحظه می‌شود، هر اختلافی اعم از آنکه درباره تفسیر مواد عهدنامه و یا چگونگی اجرای آن باشد، به طرفین اجازه نمی‌دهد که تغییری در مسیر خط مرز ایران و عراق، ایجاد نمایند و همچنین بند ۲ ماده تصریح دارد طرفی که اختلاف دارد باید مستقیماً به طرف دیگر مراجعه کند و طی مهلت دو ماه از تاریخ درخواست منتظر حل اختلاف از طریق مذاکرات مستقیم دوجانبه بین طرفین معظمین متعاهدین باشد. در صورتی که طرفین مذاکره کردند، ولی به توافق نرسیدند، آنگاه طبق بند ۳ عهدنامه مرزی باید ظرف مدت ۳ ماه به مساعی جمیله یک دولت ثالث متوسل شوند. در صورتی که این اقدام هم به نتیجه نرسد، و اختلاف همچنان باقی ماند، باید ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ احراز عدم توافق به یک دادگاه داوری مراجعه نمایند.

بدین ترتیب رژیم بعثی عراق موظف بوده است که به تعهدات خود عمل کند و اجازه تفسیر به رأس به خود ندهد. در حالی که می‌بینیم سعدون حمادی وزیر خارجه عراق که امضاءکننده عهدنامه مرزی و پروتکل‌های ضمیمه آن نیز بوده است، طی نامه‌ای در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ به سفارت ایران و بغداد، درباره علت لغو قرارداد استدلال می‌کند:

«موافقت‌نامه‌های مورد بحث به علت نقض گفتاری و کرداری آنها از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران، طبق مفاد بند ۴ موافقت‌نامه الجزیره و ماده ۴ قرارداد سابق‌الذکر «عهدنامه مرزی» کان لم یکن شمرده می‌شود.»<sup>۹</sup>

با وجود اینکه ماده ۶ عهدنامه حق هرگونه تفسیر نهایی را از طرفین سلب نموده است و دولت عراق با قصد و اراده آن را امضاء کرده و بر قطعی و دائمی و تغییرناپذیر بودن آن تأکید داشته است، وظیفه داشت ادعاهای خود را از طریق راه‌حلهای پیش‌بینی شده در ماده مطرح می‌نمود. بنابراین لغو یکجانبه قرارداد الجزایر و پروتکل‌های آن از سوی عراق فاقد اعتبار و ارزش حقوقی است، و رژیم عراق ضامن عواقب ناشی از این اقدام نیز می‌باشد.

## ۲- از لحاظ کنوانسیون وین

کنوانسیون وین شخصاً شامل حقوق بین‌الملل درباره قراردادهای منعقد شده بین کشورهاست که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۲ مه ۱۹۶۹ به تصویب رسیده است. اصولاً سازمان ملل و شورای امنیت در خصوص قراردادهای بین کشورها به آن استناد می‌کنند.

ماده ۲۶ کنوانسیون وین با عنوان **Pacta sunt Servanda** در مورد لزوم احترام به معاهدات و رعایت آنهاست. متن این ماده به عنوان یک وظیفه الزامی از کشورها می‌خواهد که با حسن نیت قراردادهای خود را به مورد اجرا بگذارند و طبق تعهدات مندرج در آن صادقانه عمل نمایند.

همچنین در ماده ۳۱ کنوانسیون وین تأکید شده است که تفسیر از قراردادها باید با حسن نیت انجام شود. یعنی از هرگونه بهانه‌جویی برای تأمین اهداف خاصی باید احتراز گردد و سعی شود قرارداد بر اساس عدالت و حقوق بین‌الملل و با رعایت مواد منشور ملل متحد و سایر منابع حقوق بین‌الملل و با رعایت مواد منشور ملل متحد و سایر منابع حقوق بین‌الملل به اجرا درآید.

نکته مهم دیگر اینکه ماده ۵۶ کنوانسیون وین مقرر می‌دارد، قراردادی که در آن ماده‌ای راجع به

فسخ وجود نداشته باشد و الغاء یا انصراف از قرارداد در آن پیش‌بینی نشده باشد، به هیچ وجه من الوجوه نمی‌توان آن را لغو کرد یا از آن انصراف حاصل نمود مگر در موارد زیر:

الف) محرز شود که طرفین قرارداد قصد داشتند امکان الغاء قرارداد یا انصراف از آن را بپذیرند.  
 ب) ماهیت قرارداد به طور ضمنی دلالت بر حق الغاء قرارداد و یا انصراف از آن نماید. در قرارداد الجزایر و پروتکل‌های آن هیچ ماده یا تبصره‌ای دیده نمی‌شود که دلالت بر فسخ یا لغو آن داشته باشد، بلکه بر قصد و اراده قطعی در اجرای عهدنامه تأکید دارد. طبق این ماده رژیم عراق حق لغو یکجانبه قرارداد را نداشته و بر اساس ماده ۲۶ و ۳۱ کنوانسیون وین مقصر عمدی شناخته می‌شود. زیرا تکلیف الزامی رژیم عراق طبق مواد یادشده احترام به قرارداد بوده و اگر مشکلی داشت، می‌بایست طبق راه‌حلهای پیش‌بینی شده در ماده ۶ عهدنامه عمل می‌کرد و حسن نیت خود را در خاتمه دادن به اختلافات نشان می‌داد.

### ۳- از لحاظ منشور ملل متحد

از معتبرترین اسناد حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد است که در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌الملل و ایجاد تفاهم و روابط دوستانه بین اعضای سازمان ملل متحد، وظایف و تعهداتی را که برای کشورها مقرر داشته است و در مقدمه با صراحت هدف از تشکیل سازمان ملل متحد را چنین مقرر می‌دارد:

«ما مردم ملل متحد تصمیم گرفته‌ایم به منظور برقراری شرایطی که در آن عدالت و احترام به تعهدات ناشی از قراردادها و سایر منابع حقوق بین‌الملل حفظ شود، سازمان ملل متحد تأسیس گردد.»

بنابراین یکی از اهداف تأسیس سازمان ملل متحد آن است که شرایطی در جهان به وجود آید که کشورها عدالت را در روابط متقابل رعایت نموده و به تعهدات ناشی از قراردادها و معاهدات و سایر منابع بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد احترام بگذارند. از این رو طبق بند ۱ ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد کلیه کشورها موظف هستند که هر نوع قراردادی را که با یک کشور دیگر بسته‌اند

در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت برسانند<sup>۱۰</sup> بند ۲ همان ماده تصریح می‌کند که اگر کشوری قراردادهای خود را در دبیرخانه سازمان ثبت ننماید، نمی‌تواند در هیچ یک از نهادهای وابسته به ملل متحد به آن استناد کند.

همچنین منشور ملل متحد در بند ۱ ماده ۳۳ به عنوان یک وظیفه به کلیه کشورهای عضو گوشزد می‌کند که طرفین یک دعوا که ادامه آن ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد، قبل از هر اقدامی باید با مذاکره، تحقیق، میانجیگری، داوری، حل اختلاف از طریق رسیدگی قضایی، توسل به سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و یا هرگونه وسایل مسالمت‌آمیز دیگر، درصدد حل اختلاف خود برآیند.

با توجه به موارد فوق، رژیم عراق با بی‌اعتنایی به اهداف منشور ملل متحد خصوصاً ماده ۳۳، قرارداد الجزایر را یکطرفه لغو نمود و صلح و امنیت منطقه را مورد مخاطره جدی قرار داد و با نادیده گرفتن حق حاکمیت ایران در اروندرود و حتی با نصب پرچم عراق بر روی کشتی‌هایی که عازم بنادر ایران بودند، بر وخامت اوضاع منطقه افزود.

#### ۴ - اعلامیه اصول حقوق بین الملل

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، طی قطعنامه شماره ۲۶۲۵ «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل» درباره روابط دوستانه و همکاری بین کشورها در انطباق با منشور ملل متحد را تصویب نمود. به موجب این قطعنامه اصولی از منشور ملل متحد که در این اعلامیه مورد بررسی دقیق قرار گرفت، طبق بند ۳ بخش عمومی آن «اصول اساسی حقوق بین‌الملل» نامیده می‌شود و به همین جهت دارای اعتبار به‌سزایی است.

اصل دوم اعلامیه مورد توجه خاص قرارداد اصلی است که به موجب آن کلیه کشورها اختلافات بین‌المللی خود را با وسایل مسالمت‌آمیز حل و فصل خواهند نمود. در این اصل ضمن تأکید حل اختلافات از طریق مسالمت‌آمیز راه‌حلی‌هایی که در بند ۱ ماده ۳۳ منشور ملل متحد قید

شده است، مجدداً گوشزد گردیده است و سپس مقرر می‌گردد که طرفین یک دعوا در صورتی که به راه‌حلهای فوق توسل جسته ولی موفق به حل اختلافات نشده‌اند باید به کوشش‌های خود برای حل اختلافات خویش با وسایل مسالمت‌آمیز دیگری ادامه دهند. همچنین در اصل فوق تأکید می‌شود، سایر کشورها از هر اقدامی که ممکن است وضع را وخیم گردانند، خودداری خواهند نمود و بر طبق مقاصد و اصول منشور ملل متحد، طرفین دعوا به حل اختلافات تشویق خواهند.

رژیم عراق، به عنوان یک کشور عضو سازمان ملل متحد که اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل را به طور رسمی پذیرفته است، وظیفه داشت که برای حل اختلافات خود که در واقع بهانه‌ای بیش نبود به راه‌حل‌های مندرج در بند ۱ ماده ۳۳ منشور ملل متحد متوسل می‌شد و اگر موفقیتی به دست نمی‌آورد باز وظیفه داشت که به کوشش‌های خود برای حل اختلافات، از طریق مسالمت‌آمیز دیگر ادامه می‌داد و به هیچ وجه وظیفه نداشت صلح و امنیت منطقه را به خطر اندازد و با لغو قرارداد اصل صریح حقوق بین‌الملل را نقض نماید.

بنابراین رژیم بعثی عراق با لغو قرارداد الجزایر کلیه معاهدات بین‌المللی را زیر پا گذاشت و بدون هیچ تردیدی این اقدام رژیم عراق را باید پیشینه‌ای برای تجاوز سراسری به خاک ایران دانست و به عنوان گویاترین سند آغازگر جنگ در پرونده جنایت رژیم بعثی ثبت و ضبط نمود.

## بخش دوم - چگونگی آغاز تجاوز

### ۱ - تجاوز سراسری ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

ارتش رژیم عراق با اهداف از پیش تعیین شده سرانجام تهاجم سراسری خود را علیه ایران در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ از زمین، هوا و دریا آغاز نمود. استعداد نیروی زمینی ارتش عراق در آغاز تجاوز بالغ بر ۴۸ یگان بود که شامل ۱۲ لشکر مرکب از ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه و همچنین ۱۵ تیپ مستقل شامل ۱۰ تیپ پیاده، یک تیپ زرهی، یک تیپ مکانیزه و ۳ تیپ

نیروهای مخصوص، به اضافه تیپ ۱۰ گارد جمهوری نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی بوده است.

همچنین ماشین نظامی عراق با بهره‌مندی کامل از تجهیزات نظامی نظیر ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضد هوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی‌کوپتر، از آمادگی عملیاتی مناسبی برخوردار بود.<sup>۱۱</sup>

خبرگزاری‌های انگلستان نیز بلافاصله گزارش دادند:

ایران و عراق حالت جنگی میان دو کشور را اعلام کردند، هواپیماهای عراق اقدام به بمباران کلیه پایگاه‌های نظامی در داخل خاک ایران از جمله فرودگاه مهرآباد نمودند. در پی این حملات خسارات سنگینی به تأسیسات نظامی و غیر نظامی وارد آمد. خبرگزاری عراق اعلام کرد: «نیروی هوایی عراق در حدود ساعت ۱۲ ظهر امروز (۱۹۸۰/۹/۲۳) به وقت محلی چند فرودگاه نظامی و دیگر اهداف نظامی ایران را مورد حمله قرار داد. جنگنده‌های عراق شش فرودگاه نظامی در مناطق آبادان، اصفهان، آغاچاری و در عربستان (خوزستان ایران) را با موشک‌های هوا به زمین مورد حمله قرار داده و خسارات سنگین وارد آوردند.»<sup>۱۲</sup>

صدام حسین نیز طی مصاحبه‌ای گفت:

«نیروی هوایی پیروز ما، پایگاه‌های گروه مجوس را بمباران کرد و خسارات سنگینی به آنها وارد کرد. در دریا نیروهای جسور ما در برابر نیروهای دریایی دشمن پایداری کردند و در خشکی نیروهای دلاور ما به سوی اهداف از پیش تعیین‌شده پیشروی کردند و ظرف چند روز گذشته از صبح دوشنبه ۲۲ سپتامبر تا به امروز این مأموریت‌ها را با دلاوری و لیاقت و سرعت انجام دادند.»<sup>۱۳</sup>

تجاوز و تهاجم سراسری رژیم عراق در عین سنگینی با سرعت عجیبی همراه بود که حکایت از

اهداف از پیش برنامه‌ریزی شده آنها دارد و برای جمهوری اسلامی ایران اگرچه حمله رژیم عراق قابل پیش‌بینی بود، اما با این حجم و گستردگی غافلگیرانه و غیر قابل تصور بود.

## ۲- اشغال شهرهای مرزی ایران

رژیم بعضی عراق  $\frac{2}{3}$  نیروهای خود را برای تصرف شهرهای استان خوزستان به کار گرفت. به طوری که از محورهای شملجه، نشوه، تنگه چزابه، دزفول به اشغال خاک خوزستان پرداخت. هدف مهم و استراتژیک او اشغال خرمشهر بود که با وجود مقاومت سرسختانه دلیرمردان اسلام، سرانجام این شهر کلیدی را به تصرف خود درآورد. تحلیل‌گران سیاسی ضمن اعتراف به مقاومت شجاعانه رزمندگان اسلام از رسیدن رژیم عراق به اهدافش خبر دادند که این نشان می‌دهد همگان از اهداف تجاوز رژیم عراق باخبر بودند. برای نمونه نشریه نیویورک تایمز می‌نویسد:

تحلیل‌گران می‌گویند که عراق علی‌رغم مقاومت مداوم ایران به اکثر هدف‌های اولیه خود رسیده است. اشغال حدود ۱۲۴ مایل مربع از سرزمینهای مورد اختلاف و تسلط بر شط‌العرب بعلاوه خرمشهر و اهواز و پالایشگاه عظیم نفت آبادان را نیز در محاصره دارد.<sup>۱۴</sup>

هدف‌های اولیه در اشغال شهرهای ایران بسیار بامعناست که بعداً با ادعای مالکیت عراق بر این شهرها همراه می‌شود. چنانکه صدام حسین فرمانده کل نیروهای مسلح عراق اعلام کرد:

پرچم عراق بر فراز شهرک سوسنگرد خفاجیه به اهتزاز درآمده است. بر اساس این بیانیه عراق، ایرانیها از روی جعل و تزویر خفاجیه را سوسنگرد نام گذاردند، به طوری که این امر نشانگر آن است که عراق این شهرک را جزئی از اراضی اصلی خود به شمار می‌آورد.<sup>۱۵</sup>

ادعای مالکیت سران رژیم عراق با تغییر اسم شهرها نظیر محمره به جای خرمشهر و عربستان به

جای خوزستان آغاز می‌شود. طه یاسین رمضان معاون رئیس شورای فرماندهی عراق پس از سقوط خرمشهر اعلام کرد:

عربستان (خوزستان) آزاد شده است.<sup>۱۶</sup>

این ادعاها در مالکیت خوزستان نشان می‌دهد که ارتش رژیم عراق برای ماندن آمده است. به طوری که پس از سقوط خرمشهر مطبوعات عراق اعلام کردند:

محمره (خرمشهر) سرزمین اجدادی است و نیروهای مسلح عراق آن شهر را برای ابد بازپس گرفتند.<sup>۱۷</sup>

و حتی مسئولین رژیم عراق اعلام کردند که مناطق آزادشده از ایران را در شبکه پست و تلفن خود ادغام می‌کنند.<sup>۱۸</sup>

بنابراین رژیم عراق علاوه بر اشغال شهرهای مرزی خوزستان و غرب نظیر قصر شیرین یکی از اهداف تجاوز را که همان تجزیه خوزستان باشد، به طور علنی در مصاحبه‌ها و بیانیه‌های رسمی خود اعلام نموده و رسانه‌های خبری منطقه و جهان نیز بعضاً به طور غیرمستقیم با تکرار گفته‌های سران رژیم عراق اذهان عمومی را برای پذیرش این ادعا آماده می‌کردند.

### ۳- موضع‌گیری امام خمینی در برابر تهاجم ارتش عراق

سایه سهمگین تهاجم سراسری ارتش عراق در اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی کشور بر پیکر ملت و مسئولین ایران سنگینی می‌کرد، به طوری که وحشت و اضطراب از عاقبت کار احساس طبیعی همگان بود. در چنین اوضاع و احوالی همه دیدگان به تدابیر امام خمینی (ره) دوخته شده بود. امام راحل (ره) هم به خوبی می‌دانست که تنها او باید در آن شرایط حساس حرف آخر را بزند. فلذا طی سخنانی عنصر ایمان و توکل به خدا را بزرگترین پایه قدرت و توانایی دانسته و قدرت دشمن را در برابر آن ناچیز تلقی نمودند.

.. //

.. //

.. //



من از ملت بزرگ ایران خواهانم که در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند، و از هیچ چیز باک نداشته باشند. ما از آن قدرتهای بزرگ نترسیدیم. این (صدام) که قدرتی ندارد، عراق که چیزی نیست.<sup>۱۹</sup>

این سخنان ملکوتی امام راحل(ره) که از قلب مطمئن و جان آرام او سرچشمه می‌گرفت، روحیه مردم و مسئولین را تقویت نمود و اتکال آنها را به خدا بیشتر کرد و انگیزه دفاع و مبارزه با دشمن را در آنان بویژه جوانان جان بر کف میهن اسلامی بالا برده تا جایی که فرمود:

هر وقتی که مقتضی بشود من پیامی به ملت خواهم داد و به صدام حسین و امثال او ثابت خواهم کرد که اینها، این اذنان امریکا قابل ذکر نیستند.<sup>۲۰</sup>

امام راحل(ره) با تحقیر دشمن، مردم را به مبارزه و حتی شکست دشمن امیدوار کرده و این صحنه‌های اعجاز‌آفرین ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی است، که در بحرانی‌ترین شرایط سگان کشتی نظام را از تزلزل نجات می‌دهد، و ثابت می‌کند که جوهر اقتدار نظام و امنیت کشور ولایت است.

به دنبال موضع‌گیری شجاعانه امام راحل(ره) شاهد جوشش مقاومت مردمی در همه آحاد ملت و مسئولان و دولتمردان نظام جمهوری اسلامی هستیم. به طوری که یکپارچه برای دفع تجاوز و آزادسازی مناطق اشغال‌شده از مرد و زن و پیر و جوان بسیج شدند.

همچنین امام راحل(ره) به مسئولان سیاسی و نظامی دستور دادند که در شورای عالی دفاع به تهیه و تدوین طرح‌ها و برنامه‌های کلان به طور کلاسیک بپردازد، و با تشکیل سازمانهای رزمی به امور شهر سازماندهی نیروهای مردمی جهت اعزام به جبهه همت گمارند.

پس از آنکه خط‌مشی دفاعی از سوی امام راحل (س) تبیین شد، مقاومت خودجوش مردمی در همه‌جا شکل گرفت. بویژه این مقاومت در شهرهای اشغالی ایران توسط ارتش عراق نمود فزاینده‌ای داشت. به طوری که فرماندهان ارتش عراق و خبرگزاریهای جهانی زبان به اعتراف گشودند.

خبرگزاری رویتر در مورد مقاومت مردم آبادان می‌نویسد:

نیروهای عراقی تحکیم محاصره شهر نفتی آبادان ایران را با حلقه‌ای از فولاد آغاز کرده‌اند. اما ساکنین شهر مقاومت شدیدی نشان می‌دهند.<sup>۲۱</sup>

این در حالی است که صدام حسین طی محاسبات غلط خویش به فرماندهانش گفته بود در هر شهری وارد شوید، مردم از شما استقبال خواهند کرد. نشریه گاردین از قول یک دهقان پیر می‌گوید:

ما با چنگ و ناخن به این زمین خواهیم چسبید. اگر آنها (ارتش عراق) همه چیز را نابود کنند، ما در چادرها خواهیم خوابید. بعد باز خواهیم گشت و همه چیز را چون ویتنام خواهیم ساخت. سپس می‌گوید: این مقایسه اتفاقی نیست و همه مردم در اینجا می‌گویند که امپریالیسم امریکا پشت صدام حسین است.<sup>۲۲</sup>

مقاومت در شهرهای اشغالی به گونه‌ای مردمی شده بود که حتی کودکان و زنان دوشادوش پدران و مردان خود در نبرد شرکت جستند. این صحنه‌های حماسی نیز از چشم خبرنگاران پنهان نماید، به طوری که گزارش دادند:

در خرمشهر و آبادان کودکان بسیاری اغلب در کنار پدرانشان در جنگ شرکت داشته‌اند و یکی از آنها که ۱۴ ساله بود با افتخار برای خبرنگاران غربی تعریف کرد که چگونه با دو کوکتل مولوتف تانک عراقی را منهدم کرده است.<sup>۲۳</sup>

اینها گزارش و اعتراف خبرنگاران خارجی صحنه‌های مقاومت مردم شهرهای مرزی به همراه

جوانان مسلحشور و رزمنده سپاه و ارتش می‌باشد، که غالباً به منظور اهداف دیگری به منطقه آمده بودند، اما همایش زیبای مقاومت و حماسه دینی آنها را به حیرت آورد و حداقل واکنش آنها گزارش این منظره‌های مقاومت و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی مردم بود.

قطعاً منشأ این مقاومت و پایداری، ایمان و عشق به اسلام و میهن اسلامی و اطاعت صادقانه از دستور امام خمینی(س) بوده است که موجب مباهات و سرفرازی ایران اسلامی شده است. به طوری که امام راحل(ره) در این باره فرمودند:

آنچه برای اینجانب غرورانگیز و افتخارآمیز است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان، که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند می‌باشد. این است فتوح الفتوح.<sup>۲۴</sup>

بدین ترتیب ایمان و عشق به خدا رمز مقاومت و پایداری ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس بوده است که از نظر امام راحل(س) «فتح الفتوح» نامیده شد و در طول سالیان مبارزه همواره به عنوان جوهر دفاع و مقاومت مورد توجه رزمندگان اسلام بوده است.

## ۵- تخریب مناطق مسکونی، درمانی، آموزشی

ارتش رژیم عراق برای در هم کوبیدن مقاومت مردم در شهرهای مرزی، خانه‌ها، بیمارستانها و اماکن آموزشی را مورد حملات هوایی و موشکی قرار می‌داد، کشتن زنان و کودکان در خانه‌ها و یا بیماران در بیمارستانها یا دانش‌آموزان در مدرسه‌ها برای رژیم عراق مفهومی انسانی نداشت. اگرچه مجامع خبری داخل عراق در آغاز این حملات را انکار می‌کردند، اما خبرگزاریهای خارجی از این جنایت صدام که بیرحمانه به مناطق مسکونی، درمانی و... حمله می‌کردند، خبر دادند. مثلاً گاردین نوشت:

بر اثر حمله نیروهای عراقی با موشکهای زمین به زمین به مناطق مسکونی در شهر دزفول واقع در جنوب غربی ایران بیش از ۱۰۰ نفر کشته و ۱۷۴ نفر مجروح شدند.<sup>۲۵</sup>

بعدها رژیم عراق وقتی ریشه مقاومت مردمی را در ایران اسلامی همگانی یافت، حملات ددمنشانه خود را به سایر شهرها گسترش داد. برخلاف همه موازین بین‌المللی، به مناطق مسکونی شهرهای مختلف ایران، مراکز درمانی و آموزشی و بناهای تاریخی و فرهنگی با هواپیما و موشکهای دوربرد حمله‌ور شد.

## ۶- واکنش دولتها و سازمانهای بین‌المللی

پس از وقوع تجاوز سراسری رژیم عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، دولتها و مجامع بین‌المللی واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان دادند. دولت‌های منطقه بویژه عربستان، اردن و کویت حمایت خود را از عراق اعلام نمودند.<sup>۲۶</sup>

دولت امارات متحده عربی مجدداً تأکید نمود که جزایر سه‌گانه عربی که از سوی رژیم ایران به اشغال درآمده، باید به این کشور بازپس داده شود.<sup>۲۷</sup>

اغلب حمایت‌ها با تمجید و ستایش از صدام حسین همراه بوده است. مثلاً یک مقام رسمی اردن نزدیک به شاه حسین گفت:

صدام حسین یقیناً به عنوان مرد قدرتمند در رهبریت ملی اعراب در خواهد آمد و پیروزی وی در جنگ با ایران اولین عملیات موفقیت‌آمیز نظامی اعراب در طول سال گذشته خواهد بود.<sup>۲۸</sup>

همچنین انجمن ادبای کشور کویت با ارسال تلگرافی به صدام حسین حمایت کامل خود را از عراق در جنگ با ایران اعلام کرد، در این تلگراف آمده است:

فرز صالح عربیت رفیق صدام حسین - بغداد

افتخار دارم که تصمیم هیأت اداری انجمن ادبای کویت با تمامی اعضای آن در حمایت کامل از موضع شجاعانه شما برای بازپس‌گیری اراضی عراق از غاصبین فارس به اطلاع برسانم... به پیش ای قهرمان عربیت و پیروزی از آن ارتش بزرگ ما

. //

. //

. //

باد. (احمد سقاف - دبیر کل)<sup>۲۹</sup>

البته صدام حسین این اظهار ارادت و حمایت ادبای کویت را در تجاوز به آن کشور پاسخ داد و مشاعر ادبا و نویسندگان کویت را به اوج تخیل و قهقراء کشاند.

شورای همکاری حوزه خلیج فارس در کنار صدام حسین علیه ایران صف‌آرایی کردند.<sup>۳۰</sup> دبیر کل اتحادیه عرب طی مکالمه تلفنی با دبیر کل شورای فرماندهی عراق مواضع قوی و عربی صدام حسین را مورد ستایش قرار داد.<sup>۳۱</sup> دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی ضمن ارسال دو تلگراف به صدام حسین و امام خمینی خواستار برقراری آتش‌بس فوری شد.<sup>۳۲</sup>

کشورهای غربی اگرچه از اقدام صدام حسین راضی به نظر می‌رسیدند، اما با لحنی متناقض به اظهارنظر پرداختند. تا اینکه تدریجاً رژیم عراق با حرکت‌های غرب‌پسند اغلب حمایت آنها را با خود همراه نمود. در این بین موضع‌گیری شورای امنیت سازمان ملل به عنوان نماد رسمی حل مناقشه، برای همگان قابل توجه بوده تا اینکه «کورت والدهایم» دبیر کل وقت سازمان ملل متحد بر اساس ماده ۹۹ منشور، نامه‌ای بدین مضمون به شورای امنیت نوشت:

من از گسترش اختلاف بین ایران و عراق نگران هستم، این امر به عقیده من یک تهدید جدی بالقوه برای صلح و امنیت بین‌المللی است.<sup>۳۳</sup>

## پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

مقاله: پیشینه و چگونگی آغاز تجاوز

نویسنده: دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی

منبع: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

. //

. //

. //

. //

. //